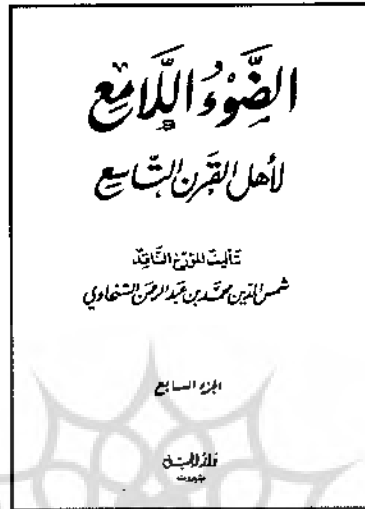


# سخاوی و کتاب الضوء اللامع لاهل القرن التاسع

• هیبت الله مالکی



• الضوء اللامع لاهل القرن التاسع  
• تأليف شمس الدين محمدين عبدالرحمن  
السخاوي  
• ناشر: دار الجليل، بيروت، ۱۴۱۲ هـ. ق /  
م. ۱۹۹۲

دیگر در سال ۸۹۶ هـ. ق عازم مکه شد و تا سال ۸۹۸ در این شهر جوار ماند. پس از آن سفری به مدینه کرد و چند ماه در آنجا مقیم بود و ماه رمضان آن سال را در مدینه روزه گرفت و بعد از پایان ماه شوال به مکه برگشته و مدتی هم در آنجا ماند سپس برای آخرین بار به مدینه برگشت و مجاور قبر حضرت رسول (ص) شد تا زمانی که از دنیا رحلت کرد. و ایامی که سخاوی در مکه و مدینه بسر می برد، عده زیادی از طلاب علوم دینی نزد وی تحصیل می کردند، و دانش فراوانی از گنجینه گران بهای حافظه او نوشتند. سخاوی کتابهای زیادی را در کمال فصاحت تدوین کرد. پارهای از تالیفات و تصنیفات این بزرگمرد به قرار زیر است: ۱- الجواهر والدرر فی ترجمه الشیخ ابن حجر ۲- فتح المغیث بشرح الفیہ الحدیث (ابن عماد مؤلف شذرات الذهب شرح سخاوی را جامع ترین و عمیق ترین شرح می داند) ۳- الضوء اللامع للهل القرن التاسع در شش جلد و ۱۲ مجلد ۴- المقاصد الحسنه فی الاحادیث الجاربه علی السنه و این کتاب بسیار جامع تر و محکمتر از کتاب جواهر المنشره فی الاحادیث المشتهره است ۵- القول البدیع فی الصلاه علی الجیب الشفع ۶- عمدت المحتج فی حکم الشطرنج ۷- اعلان بالتوبیخ علی من ذم علم التواریخ (بسیار کتاب ارزشمندی است) ۸- التاریخ المحیط علی حروف المعجم ۹- تلخیص تاریخ الیمن ۱۰- اصل الضمیل فی تحریم النقل من التوراه و الانجیل ۱۱- تحریر المیزان ۱۲- عمدت القاری والسمع فی ختم الصحیح و الجامع ۱۳- غیبه المحتج فی ختم صحیح مسلمین الحجاج و کتابهای دیگر که ذکرش در این مقال نمی گنجد. حافظ شمس الدین ابوالخیر محمد سخاوی، در روز یکشنبه بیست و هشتم ماه شعبان سال ۹۰۲ قمری در شهر مدینه از دنیا رحلت کرد و روز دوشنبه ۲۹ شعبان بعد از نماز صبح برایشان نماز خوانند و بعد از نماز، جنازه را جهت تبرک و تیمن به سوی قبر مطهر حضرت رسول آوردند و بعد از لحظاتی توقف جنازه را به سمت قبرستان بقیع حمل کردند. و در کنار قبر امام الکعبن ائس، ایشان را به خاک سپردند.

جهان را همین یک جوانمرد بود  
فلک هم حسد برد و نگذاشتش

در مورد کتاب الضوء اللامع سخاوی در جلد اول همین کتاب صفحه ۵ مقدمه چنین بیان کرده است: «این کتاب جامع شرح حال بزرگان و دانشمندان و قضاه و عارفان و ادباء و شعراء و راویان حدیث و پادشاهان و امراء و کارگزاران آنها و وزیرانی است که در کشورهای مصر و شام و حجاز سکونت داشته اند یا اهل سرزمین های یمن و روم یا هندوستان و [ایران] بودند و دیگر خصوصیت بارز این کتاب معرفی بسیاری از دانشمندان و فضلاء اهل نمه است که از پیروان ادیان مختلف بودند. سخاوی با انجام چنین کاری وسعت مشرب خویش را آشکار کرده است.

نخستین شخصی که در این کتاب (الضوء اللامع) بر اساس حروف تهجی، عبدالرحمن سخاوی زندگی نامش را شرح کرده است یکی از زهادگیلانی الاصل می باشد.

آدمین سعدین عیسی گیلانی الاصل، که در شهر مکه معظمه بیست سال جوار بوده است و در همانجا ازدواج کرده است و در اواخر عمر در ریاط سکروکان بگذرد و گوشه گیری نشست و در ماه ذی قعدة سال ۸۶۲ هـ. ق درگذشت. آخرین شخصیتی که سخاوی در پایان جلد ۱۲ در صفحه ۱۳۳ از ایشان نام برده است بانوئی است از مردم کشور حبشه (اتیوپی) مشهور به (یهب الله) که شرح حالش چنین است: (یهب الله) ام محمد حبشیه المکیه مستولده التقی بن فهد الهاشمی المکی. در سال ۸۱۶ هـ. ق به مکه وارد شد و وقتی که حدود ۱۰ سال داشت و از محضر مولایش علی بن الجزری و ابن سلامه و گروهی دیگر از بزرگان، استماع حدیث کرد و گروهی از علماء و اصحاب حدیث اجازه روایت حدیث به ایشان دادند. این بانوی محدثه در شب یکشنبه غره ماه رجب سال ۸۸۱ در شهر مکه درگذشت. وی یفوی و الامقام و یک سیرت و شبز نظر و معبد بود. البته در پایان مجلد ۱۲ نویسنده کتابی جداگانه در شرح حال زنان مشهور قرن نهم تالیف کرده است. این کتاب حاوی شرح حال زنانی است که به کتبه اشتهار داشته اند و نام این کتاب را «کتب الکئی من النساء» نام گذاری کرده است.

پی نوشتهها:

۱- السخاوی شمس الدین محمدين عبدالرحمن، الضوء اللامع للهل القرن التاسع، بیروت [بنان] دارالجليل، ۱۴۱۲ هـ. ق / ۱۹۹۲ م، جلد اول، ص ۷.  
۲- همان، جلد ۶.

در کتاب شذرات الذهب فی اخبر من ذهب از ابن عماد نقل شده است که محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن ابی بکر ابن عثمان بن محمد سخاوی الاصل در شهر قاهره تولد یافت. کنیه اش ابوالخیر و لقبش را حافظ شمس الدین ذکر کرده اند. او منسوب شافعی داشت و بیشتر ایام زندگانش را در شهرهای مکه و مدینه جوار بود. سخاوی در ماه ربیع الاول سال ۸۳۱ هـ. ق به جهان هستی گام نهاد در سنین کودکی قرآن کریم را حافظ شد و در همان سنین، ماه مبارک رمضان نماز را برپای می داشت و روزه می گرفت و کتابهایی چون عمدت المحتج، التنبیه المنهاج، الفیصلین مالک الفیمعرقی، غالب الشاطیبه، التخبه لابن حجر و غیره را بخطاطر سپرد و هر کتابی را که حفظ می کرد به استادانش ارائه می نمود. این نویسنده بزرگ در فقه و نحو عربی و انواع قرائت های قرآن کریم و شناخت قراء سبعه و علم حدیث و تاریخ به بالاترین مقام علمی رسید. وی حساب و تفسیر و اصول فقه را تحصیل کرد و کتابهایی را که در محضر اساتید تعلیم گرفت به قمری زیاد است که عنوان آنها در این مقال نمی گنجد. سخاوی در تزیینش از ۴۰۰ تن از دانشمندان و علما و فقها تحصیل کرد و از محضر بسیاری از ایشان اجازه تدریس و خطابه فتوی گرفت. سخاوی از کلاس درس ابن حجر عسقلانی استفاده های فراوان برد و سال های متمادی از حضور این استاد گرانقدر بهره ها برد. هیچ کس به اندازه سخاوی در محضر ابن حجر عسقلانی تحصیل نکرد دسته و بیشتر کتابهای ابن حجر را در نزد وی تحصیل کرد. او صحیح بخاری را از ۱۲۰ تن از علما نقل می کند. سخاوی به کشورهای زیادی مسافرت کرد و شهرهای زیادی از جمله بیت المقدس و حلب و دمشق را سیاحت نمود. معاصرین و متاخرین مقام سخاوی را در علم قرائت و روایت و حدیث بی نظیر نهادند و در این علوم میان او تا حضرت رسول (ص) فقط ده واسطه وجود داشته است. بعد از درگذشت استادش ابن حجر، سخاوی به همراه پسر و مادرش عازم سفر حج شد و در شهر مکة مساعلات دینار گروهی از علما و دانشمندان بزرگخصییش گشت. بعد از چندی به قاهره بازگشت و از آنروز به بعد نیز یک لحظه هم از تحقیق و تحصیل غافل نماند. سخاوی بار دوم در سال ۸۷۰ هـ. ق حج کرد و مدتی در مکه جوار شد و بسیاری از تصانیفش را در مکة تدریس کرد. و بار سوم در سال ۸۸۵ هجری قمری عازم مکه شد و در سال های ۸۸۶ و ۸۸۷ مجاور خانمنا بود و مدت سه ماه از این سه سال اخیر الذکر در شهر مدینهالتنبی بسر برد. اما باز هم به مصر برگشت و پس از گذشت زمانی بار دیگر مجددا در سال ۸۹۲ هـ. ق عازم حج شد و برای مدت ۲ سال دیگر هم در جوار خانه خدا اقامت کرد. هم چنین یک بار